



محمد شلیله

نمی‌توانیم اصل را بر این بگذاریم که اعضای «جامعه» باید به خودی خود با امور «جامعه» مشارکت کنند و از آن به هر دلیل یا بدون دلیل دوری می‌کنند، بلکه فرض بر این است که شورای عالی «جامعه» نیز باید زمینه‌ی مشارکت اعضا را فراهم سازد و ساختار مناسبات و ارتباطات «جامعه» را در این راستا توانمند و هموار سازد. از سوی دیگر آشکار است در غیاب چنین خط‌مشی‌هایی، در شوراهای «جامعه»، مشارکت در این نهاد رو به توسعه نخواهد گذاشت بلکه رو به کاهش می‌گذارد؛ چنان‌که گذاشته است. این دست‌کاستی‌ها در «جامعه» به رفتار و عملکرد اعضا و شورای آن محدود نیست، بلکه در تاریخ و جامعه‌ی ما ریشه دارد و با رفتار اجتماعی و جمعی و فردی ما سرشته است. اما این وضع مانع از آن نیست که به نمودهای آن در «جامعه» نپردازیم تا حاضران در مجمع عمومی که رسمیت، موجودیت و مشروعیت

مجموعه‌ی به‌هم‌آمیخته با عامل‌های دیگری است که جملگی در پیوند با یکدیگر نیازمند بررسی است. اما نوشته‌ی پیش رو از پردازش ذهنی مجموعه‌ی آگاهی‌ها، مشاهدات و یافته‌های بررسی‌های نگارنده درباره‌ی توسعه‌ی انجمن‌های حسابداری و نهادهای هم‌سنگ در ایران شکل گرفته است. از این رو با نتیجه‌ی بررسی‌های روش‌شناختی و استنتاج منطقی و معنی‌دار از یافته‌های این گونه بررسی‌ها فاصله دارد. با این وصف، از واقعیت‌چندان دور نیست اگر توافقی بر سر خطوط کلی آن باشد، نتوان آن را مبنای فرضیه‌ی بررسی روش‌شناختی قرار داد؛ به بیان دیگر این یک نظر است، اما نه یک ادعا. در واقع از آن دست اظهارنظرهایی است که در گفتگو با یکدیگر در میان می‌گذاریم یا در یک مصاحبه ممکن است ابراز کنیم. اگر به دیده‌ی آسیب‌شناختی به مشارکت اعضای «جامعه» نگاه کنیم،

«اکثریت کجا بودند؟» پرسشی است که در این نوشته کوشیده‌ایم به آن بپردازیم؛ پرسش هشداردهنده‌ای که حضور فقط ۱۲۹ نفر (۶,۲ درصد) از ۲۰۸۹ اعضای جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران (از این پس «جامعه») در مجمع عمومی سال ۱۳۹۲ (۲۳ مهر ۱۳۹۳) آن را مطرح ساخت؛ هشدار که شورای عالی «جامعه» را هم واداشت از هیأت مدیره بخواهد بررسی آسیب‌شناسی این چگونگی را در دستور کار قرار دهد و پیشنهادهای چاره‌جویانه‌ای به شورای عالی عرضه کند (۱). به بیان دیگر نوشته‌ی حاضر مشارکت با بررسی‌های آسیب‌شناختی و چاره‌جویی درباره‌ی رویداد پیش‌گفته است که ممکن است تنها یکی از نشانه‌های دشواری‌های بیش‌تر در ساختار «جامعه» باشد که اتفاقاً با تشکیل مجمع اخیر ظاهر شده است و در نظر اول فرض نامشارکت‌جویی در «جامعه» را برجسته‌تر می‌سازد؛ حال آن‌که مسئله‌ی نامشارکت‌جویی خود، هم‌پیوند با



«جامعه» را تثبیت و تداوم می‌بخشند، به زیر هفت درصد اعضا برسد؛ یعنی وضعیتی نگران‌کننده‌تر از هشدار. مسئله این است که وجود چنین وضعی به کارکردهای اساسی نهاد حرفه‌ای و در مورد بحث ما به کارکردهای «جامعه» آسیب می‌رساند، بدون این‌که ارتباط آن با مشکلاتی که «جامعه» با آن از درون و بیرون روبه‌روست به اندازه‌ی کافی روشن گردد.

درباره‌ی زمینه‌های تاریخی و اجتماعی نامشارکت‌جویی در ایران و به تبع آن در «جامعه» و پایین بودن سطح اعتماد عمومی یا موانع به رسمیت شناختن حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در کشور در «بررسی پیشرفت جامعه»، گزارش مشروط» (شلیله، ۱۳۸۸) و به آثار سیاست‌های دولت‌هایی که در پی تشکیل «جامعه» روی کارآمده‌اند در «هر سه شورا کمتر به برنامه‌های توسعه پرداخته‌اند، چاره‌ی دیگری داشتند؟» (شلیله، ۱۳۸۹) و در «ارزیابی رویکردهای شورای چهارم جامعه‌ی حسابداران

رسمی ایران» (شلیله، ۱۳۹۱) از نظر تأثیر بر تغییر و تحولات درون و بیرون اما همپوند با کارکردهای «جامعه» نیز پرداخته‌ایم، اما این بار بر مسائل عام این نهاد با توجه بیشتر بر سازوکار مشارکت در «جامعه» (۲) در پیوند با عملکرد تاکنون شوراها پرداخته‌ایم.

گرایش‌های عمده‌ی عملکرد شوراها

تدقیق نسبی موضوع این نوشته ایجاب می‌کند به گرایش‌های عمده در عملکرد شوراها‌ی گذشته نگاه‌گذاری داشته باشیم. توزیع تنوع موضوع تصمیم‌گیری‌های چهار شورای پیشین در مجموع نشان داده است که ۶۰ درصد تصمیم‌گیری‌های آن‌ها بر امور اجرایی متمرکز بوده، ۳۲ درصد بر امور ساماندهی یا سازماندهی و دست بالا در حد ۸ درصد به امور توسعه‌ی «جامعه» پرداخته‌اند (۳). اما وقتی از زاویه‌ی دیگری به عملکرد آن‌ها نگاه کنیم، انگیزه‌ی ۴۳ درصد تصمیم‌ها تداوم بخشیدن به امور جاری بوده است که

به قاعده در هر سازمان یا نهادی پیش می‌آید. منشأ ۳۱ درصد تصمیم‌گیری‌ها به قصد یا بنا به ضرورت واکنش نشان دادن به مسائلی بوده که در درون «جامعه» پیش می‌آمده یا از بیرون، و بر یکی یا بیش از آن از کارکردهای «جامعه» اثر داشته است، ۲۶ درصد تصمیم‌گیری‌هایی است که ابتدا به ساکن در شورا مطرح شده‌اند و مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار گرفته است (۴). بعد دیگری از گرایش عمده در عملکرد شوراها‌ی «جامعه» که بیش از سایر ابعاد واقعیت عملکرد آن‌ها را نشان می‌دهد الویت‌های تصمیم‌گیری آن‌هاست که دربرگیرنده‌ی مواردی چون امور اداری و پشتیبانی ۳۴ درصد، همکاری و حل و فصل امور فیمابین با مراجع دولتی ۱۲ درصد، رسیدگی به امور مؤسسات حسابرسی ۹ درصد، بازنگری ۷ درصد و نظارت حرفه‌ای و امور انضباطی و انتظامی ۶ درصد (۵). شواهد یک بررسی حداقلی در مهرماه ۱۳۹۳ نیز نشانه‌ای از تغییر معنی دار در

خط‌مشی‌ها و عملکردهای شورای پنجم، از جمله مصوبات شورای عالی در مقطع برگزاری مجمع عمومی سالیانه‌ی سال ۱۳۹۲ در مقایسه با شوراهای پیش از این تا زمان پیشگفته را آشکار نمی‌سازد (۶) اگر چه هنوز زود است که در مورد مجموعه‌ی عملکردهای شورای پنجم قضاوت به نسبت قاطع کرد. در خور ذکر است داده‌های عرضه شده در مورد عملکرد شوراهای موصوف در این بخش از مقاله دربرگیرنده‌ی آثار شرایط درونی و پیرامونی «جامعه» بر گزینش این روش و رفتار شوراها نیست. برای مطالعه در مورد این شرایط باید به متن منابع مربوط که این داده‌ها از آن‌ها استخراج شده مراجعه کرد. منابع مذکور تنها به طور نسبی نشان می‌دهد که روند عملکردها بر چه مبناهایی شکل گرفته‌اند. اما تداوم چنین مشی‌ای منحصر به شورای «جامعه» نیست. همه‌ی نهادهای مدنی حسابداری و مانند آن و یا نهادهای مدیریت کمابیش با مشی مشابه گذران کرده‌اند. با این تفاوت که «جامعه» با توجه به مسئولیت‌های قانونی که دارد و حساسیت عملکرد حسابداران حرفه‌ای در چارچوب مناسبات قدرت مالی هم‌پیوند با قدرت سیاسی در تخصیص منابع می‌تواند هم آسیب‌پذیرتر و یا با ثبات و قدرتمندتر باشد. این امر به اوضاع سیاسی و مناسبات قدرت سیاسی بستگی دارد، به‌ویژه در فضای سیاسی کنونی کشور. از سمت دیگر رفتار تاکنون شوراها چنانکه پیش از این اشاره شد با رویکردهای مشابه در این موارد که در سطح کشور گسترده است شباهت عام دارد. از جمله تمرکز بر امور جاری و اجرایی مشی است که در همه‌ی نهادهای حرفه‌ای حسابداری و مانند آن جریان دارد. اصولاً این‌گونه نهادها بیشتر به صورت سازمان‌های

رسمی اداری سستی مدیریت می‌شوند و با این‌که فرض است راهبران این‌گونه نهادها با رأی مستقیم اعضا به عنوان نماینده‌ی اعضا برگزیده می‌شوند، رویکرد مدیران انتخابی در چارچوب ایفای وظایف نمایندگی قرار ندارد. به بیان دیگر شأن اعضای شورای نهادهایی مانند «جامعه»، نمایندگی کردن خواست و اعمال و تحقق اراده‌ی معطوف به واقعیت اعضاست و نه اداره و هدایت آن‌ها که در جهت اراده‌ی اعضای شورا به مثابه‌ی مدیران یک سازمان رسمی با نهاد و اعضای آن رفتار می‌کنند. از همین‌روست که گرچه ممکن است این‌گونه نهادها بیشتر رشد کنند، برای مثال اعضای آن‌ها افزایش یابد، درآمدشان بالاتر رود، جلسات بیش‌تری برگزار کنند و مانند این‌ها، اما کمتر توسعه می‌یابند. مثل این‌که بر پیرامون خود اثر تعیین‌کننده بگذارند، بر احساسی تعلق اعضا بیفزایند، سطح همکاری داوطلبانه را بالا برند، به تقویت همبستگی اعضا پردازند، برنامه‌های دوربرد پیش‌بینی پذیر را در نهاد مربوط سامان دهند. از این جهات «جامعه» در مقایسه با نهادهای همسان پیش‌رفتگی یا عقب‌ماندگی آشکاری ندارد. از جهتی دیگر رفتارهای شورای «جامعه» تابع الگوهای تاریخی در عملکردها بوده‌اند. برای مثال نشان دادیم که منشأ نزدیک به یک سوم تصمیم‌گیری‌های شوراهای گذشته و شورای حاضر تاکنون واکنش به رویدادهای درون و بیرون «جامعه» بوده است. چنین رفتاری از الگویی که نیکفر، محمد رضا (۱۳۷۸) «در آستانه‌ی سده و هزاره‌ی تازه» (۷) از آن (نقل به مضمون) با عنوان الگو یا چرخه‌ی «واکنش-پیامد» در عملکردها و رویکردهای جمعی در ایران یاد می‌کند که به‌جای این‌که بر آگاهی انسان‌ها و توافق‌های جمعی آگاهانه بر سر تدوین

طرح‌های توسعه‌ی نهادی یا سازمانی استوار گردد و در راستای توسعه پیش گرفته شود به کار برتری‌طلبی و کنار گذاشتن دیگران می‌آید و آثار مخرب برجای می‌گذارد. حضور کمتر از هفت درصد اعضای «جامعه» در مجمع عمومی سالیانه ممکن است یکی از نتایج اعمال چنین رویکردهایی باشد. نیکفر همچنین بر وابستگی جامعه‌ی ما به نظم‌های سلسله‌مراتبی هشدار می‌دهد. همان نظم‌هایی که در راهبری نهادهای مدنی مورد بحث که پیش از آن به عنوان مدیریت سازمان‌های رسمی، البته سستی، یاد کردیم. این چگونگی نیز دامن‌گیر دیگر نهادهای حرفه‌ای است و به «جامعه» محدود نمی‌شود. رویکرد واکنش-پیامد در موقعیت‌هایی به‌کار گرفته می‌شود که طرح سنجیده‌ی مورد توافق اکثریت وجود نداشته باشد. از دیدی نیکفر ویژگی رویکردهای واکنشی این است که مسئولیت بردار نیست و این توجیه را در دست بیشتر آن‌ها که چنین گرایشی دارند قرار می‌دهد که ادعا کنند که به دلیل پیامد فلان، گریزی از این نبود که واکنش بهمان را انجام دهیم. در واقع محرک تصمیم‌گیری‌ها و رویکرد را از درون (در مورد بحث ما) نهاد مفروض به بیرون آن منتقل می‌کنند تا مسئولیت کاستی‌ها را نیز به دیگران واگذارند.

گرایش عمده در رفتار اعضا

مستندترین منبع استنباط گرایش‌های عمده‌ی متمرکز رفتار اعضای «جامعه» به‌ویژه در زمینه‌ی مشارکت با فعالیت‌های «جامعه» نیز نحوه‌ی حضور آن‌ها در مجامع «جامعه» و کم و کیف نامزد شدن آن‌ها برای عضویت در شورا یا رجحان‌های رای‌دهی آن‌ها به نامزدهای عضویت در شورا است. نتیجه‌ی یک بررسی در مورد انتخابات

شورای پنجم (۸) نشان داد، تعداد کسانی که برای عضویت در شورای پنجم نامزد شدند نسبت به انتخابات شورای چهارم کاهش قابل توجهی یافته است. از شورای سوم به بعد حضور اعضا در هر یک از جلسه‌های انتخابات در مقایسه با انتخابات پیش از آن کاهش یافته است. در شورای سوم ۶۵٫۲ درصد اعضا در جلسه‌ی انتخابات حاضر شدند، در انتخابات چهارم ۵۱٫۳ درصد و در انتخابات پنجم ۴۹٫۴ درصد، که می‌تواند به عنوان یکی دیگر از شاخص‌های طرز مشارکت اعضا مورد توجه قرار گیرد (۹). شاخص دیگری که نشانه‌ی کاهش مشارکت اعضا در فعالیت‌های «جامعه» است، درصد آرای انتخاب‌شدگان از مجموع آرای بالقوه‌ی اعضا است که اعضای منتخب شورای پنجم ۱۸٫۶ درصد آراء بالقوه‌ی کل اعضای «جامعه» را که برابر آرای اعضای منتخب شورای چهارم است کسب کردند، که کمتر از ۲۳٫۱ درصد آرای اعضای منتخب شورای سوم است (۱۰). سرانجام نحوه‌ی مشارکت اعضا در مجمع عمومی سالیانه سال ۱۳۹۲ (مهرماه ۱۳۹۳) است که چنان‌که پیش از این آمد بعد از سه بار آگهی با کمتر از هفت درصد اعضا تشکیل شد. این تغییرات دست کم شواهدی از کاهش مشارکت اعضا را پیش روی می‌گذارد.

اما تغییر رجحان رأی‌دهی اعضای «جامعه» در جریان پنج انتخابات اعضای شورا که تا کنون برگزار

شده، نشان می‌دهد گرایش اعضا از انتخاب حسابداران حرفه‌ای شناخته‌شده‌ی دارای تجربه درازمدت و شناخته‌شده و برخوردار از مناسبات کم و بیش نزدیک با مراجع مالی و اقتصادی به سمت انتخاب نامزدهایی سوق یافته که پیشینه‌ی نزدیکی با مناسبات قدرت مالی-اقتصادی هم‌پیوند با قدرت سیاسی داشته باشند. با این فرض که از عهده‌ی «تعامل» با این مراجع برآیند. اگر که حتی پیشینه‌ی قابل توجهی در کار حسابداری حرفه‌ای نداشته باشند. ادعای یک نوشته‌ی تجربی در زمینه‌ی انتظارات اعضای «جامعه» این است که اعضا بیش از هر چیز بر «توسعه‌ی بازار خدمات حرفه‌ای» تمرکز دارند (۱۰). چنین چیزی به‌طور اصولی انتظاری قابل پیش‌بینی است و یکی از مهم‌ترین ارکان نهادهای حرفه‌ی حسابداری است. در حالی که توجه به دو مسئله در این زمینه برای تدقیق حد این انتظار ضروری است. یکی این‌که در زمان حاضر بازار بالقوه‌ی خدمات حرفه‌ای طبق قانون در انحصار اعضای «جامعه» است، حتی اگر سهمی از این بازار در اختیار «سازمان حسابرسی» است که حسابداران رسمی در قالب رابطه‌ی استخدامی در این سازمان به کار اشتغال دارند. اما توسعه‌ی این بازار در گروی تصمیم‌گیری‌های مراجع اقتصادی و دولتی است که البته نیازمند برنامه‌ریزی‌های مؤثر «جامعه» و شورای عالی است که چنان‌که در ادامه به آن خواهیم پرداخت با مناسبات قدرت سیاسی تنیده است و پیشرفت در این زمینه در شرایط کنونی را دشوار می‌سازد. دیگر این‌که توسعه‌ی بازار خدمات حرفه‌ای از جنبه‌ی تاریخی به صرف حضور

حسابداران رسمی واجد صلاحیت در بازار خدمات حرفه‌ای وابسته نیست، به‌ویژه در مورد سایر خدمات حسابداری. توسعه‌ی بازار خدمات حرفه‌ای در این عرصه به برنامه‌ریزی‌های مؤثر و درازمدت نیاز دارد که در حوزه‌ی مسئولیت نهاد حرفه‌ای توسعه‌یافته‌ی برخوردار از مشارکت فعال و داوطلبانه‌ی اعضا و عملکرد متکی بر همبستگی حرفه‌ای و توافق جمعی و شناخت سیستماتیک شرایط بازارهای موجود است.

سازوکارهای مؤثر در کاهش یا افزایش مشارکت اعضا

چنان‌که گفته شد و البته در اصل و به قاعده‌ی توسعه‌ی بازار خدمات حسابداری حرفه‌ای در راستای افزایش درآمد اعضا هدف هر نهاد حرفه‌ای است و می‌تواند میزان تعلق و همبستگی اعضا به نهاد مربوط را افزایش دهد و از سوی دیگر اما تحقق هدف یادشده نیز نیازمند برنامه‌ریزی‌های مؤثر شورای عالی و مشارکت اعضا است. آشکار است که مشارکت اعضا یک نهاد تنها به حضور آن‌ها در انتخابات یا مجامع عمومی یا کمیته‌های تخصصی محدود نیست. برای مثال اگر اعضای نهاد حرفه‌ای مناسبات خود با استفاده‌کنندگان از خدمات‌شان را در مقام عضو مسئول مقید به اصول و ضوابط نهاد مربوط و انتظارات و هدف‌های درازمدت جمعی اعضا انجام دهند، به‌جای این‌که به عنوان فرد یا مؤسسه‌ای کاملاً مجزا و مستقل از نهادی که عضو آن هستند، رفتار مشارکت‌جویانه انجام داده‌اند. به بیان دیگر اگر نهاد حرفه‌ای و اعضا



آن نوعی رفتار (منظور در این جا آیین رفتار حرفه‌ای نیست) در مناسبات خود و همکاران‌شان با استفاده‌کنندگان از خدمات حرفه‌ای داشته باشند که در درازمدت جملگی اعضای نهاد حرفه‌ای با آن ویژگی رفتاری شناخته و توصیف شوند. آن‌گاه اقدامی مشارکت‌جویانه انجام داده‌اند. برای مثال اگر وقتی که حسابداران رسمی یا همکاران آن‌ها در جریان رسیدگی با خطاها و نارسایی‌های حسابداری در مقایسه با اصول و استانداردهای روبه‌رو می‌شوند. به جای نقد یا رفتار همراه با سرزنش با کارکنان کارفرما به صرف توصیه‌ی حرفه‌ای در راستای اصلاح حساب‌ها بکوشند، برای نمونه با این روش که «توصیه‌ی ما در مورد نحوه‌ی عمل حسابداری در این زمینه این است که...» و افزود که براساس استانداردهای... روش متعارف این‌گونه است» و فرصت داد که مخاطب نیز دیدگاه‌های خود را در میان بگذارد و به صرف استدلال‌های حرفه‌ای و یادآوری پیامدهای نادیده گرفتن روش مفروض بسنده کرد. در این صورت اگر اشتباهی به عمد یا به سهو انجام گرفته باشد خود کارکنان به درک آن نائل خواهد شد بدون این‌که «احساس» کنند که مورد پرسش، سرزنش و نقد مستقیم قرار گرفته‌اند. ترویج پیش گرفتن همگانی چنین روش‌هایی نیز مصداق مشارکت مؤثر است. اما اجرای چنین روش‌هایی بی‌گمان به حدی از رضایت از کار حرفه‌ای و نهادی که تنظیم‌کننده‌ی امور و برنامه‌ریزی توسعه‌ی کار حرفه‌ای را بر عهده دارد نیز بستگی دارد. در این زمینه به دو

مسئله‌ی در زمان حاضر مبرم اعضای «جامعه» به عنوان نمونه می‌پردازیم.

درآمد اعضا از آغاز فعالیت «جامعه»

بر اساس داده‌های «گزارش سالانه شورای عالی جامعه‌ی حسابداران رسمی برای سال منتهی به ۲۹ اسفند سال ۱۳۹۲» (۱۱)، وضعیت تغییرات متوسط در آمد هر عضو «جامعه» منحصرأ دربرگیرنده‌ی شاغلان شریک، شاغلان در مؤسسات حسابرسی و شاغلان انفرادی را که حق عضویت یک درصدی اعضا بر اساس آن محاسبه می‌شود را برای سال‌های از آغاز فعالیت «جامعه» تا تاریخ گزارش اخیرالذکر در جدول شماره‌ی یک از نظر بگذرانیم. محاسبات جدول یک بر اساس درآمد ناخالص مؤسسات و اعضاست و نه سود آن‌ها. همچنین فرض نگارنده این است که اقلام درآمد در این جدول که از گزارش سالانه‌ی شورای عالی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران برای سال منتهی به ۲۹ اسفند ۱۳۹۲ برگرفته شده است درآمد قبل از کسر مالیات است. این جدول نشان می‌دهد که متوسط درآمد اعضا که در سال‌های نخست تشکیل «جامعه» روند رو به افزایش داشته، اما در سال‌های اخیرافزایش متوسط درآمد اعضا از تغییرات نرخ تورم به نحو قابل ملاحظه‌ای کمتر بوده است. با این وجود داده‌های این جدول اطلاعات درخور اتکایی در مورد متوسط درآمد واقعی اعضا به دست نمی‌دهد. از این رو برای تعیین تغییرات به نسبت واقعی‌تر متوسط درآمد هر عضو، ارزش ریالی درآمد اعضا را به دلار تقویم

کرده‌ایم و به این منظور برابری نرخ متوسط دلار در بازار رسمی و در بازار آزاد را در جدول شماره‌ی دو مبنا قرار داده‌ایم تا تغییرات متوسط درآمد اعضا به پول با ثبات‌تری را نشان دهیم. مرور داده‌های تقریبی جدول شماره‌ی دو، همچنان با فرض این‌که ارقام درآمد در این جدول مربوط به متوسط درآمد ناخالص اعضا و درآمد قبل از کسر مالیات آن‌هاست، با درآمد معمول مورد انتظار در بازار عرضه‌ی خدمات حرفه‌ای و کارشناسی در سطح حسابداران حرفه‌ای فاصله‌ی قابل ملاحظه دارد. ضمن این‌که فرض توزیع مساوی این درآمدها بین اعضا از اساس باطل است و به قاعده شماری از اعضا از درآمد چشمگیری برخوردار می‌شوند و شمار دیگری از درآمد ناکافی که البته امری طبیعی است اما در مجموع نشان می‌دهد که اندازه‌ی بازار خدمات حرفه‌ای در شرایط کنونی آن‌قدر نیست که کل اعضای «جامعه» به درآمد مورد انتظار دست یابند. نتیجه این‌که این چگونگی می‌تواند از تعلق اعضا به «جامعه» بکاهد. با این وصف رشد تعداد مؤسسات حسابرسی و تعداد شاغلان شریک و شاغلان در مؤسسات حسابرسی به قاعده باید گویای وجود خوش‌بینی نسبت به بازار خدمات حرفه‌ای در آینده باشد. اگرچه شواهدی که از این فرض پشتیبانی کند در دست نیست. پیش‌بینی رشد و توسعه‌ی بازار خدمات در شرایط کنونی با ابهام روبه‌روست. نزدیک‌ترین راه در این زمینه تداوم اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و اجرای بند ز ماده‌ی ۲ آئین‌نامه‌ی اجرایی تبصره‌ی ۴ «قانون

جدول شماره ی یک

سال	شاغلان شریک	شاغل در موسسات حسابرسی	شاغلان انفرادی	جمع	درآمد میلیون ریال	متوسط درآمد هر عضو میلیون ریال	رشد متوسط درآمد هر عضو نسبت به سال مبنا ۱۳۸۱	رشد درآمد متوسط هر عضو نسبت به سال قبل درصد
۱۳۸۱	۳۳۰	۲۶	۱۶۹	۵۲۵	۳۶۴۷۴	۶۹	-	-
۱۳۸۲	۳۸۱	۳۱	۱۵۸	۵۷۰	۱۴۱۶۱۴	۲۴۸	۳,۶ برابر	۱۵۶
۱۳۸۳	۴۰۳	۶۰	۱۹۱	۶۵۴	۲۵۲۳۹۱	۳۸۶	۵,۶ برابر	۵۶
۱۳۸۴	۴۲۰	۷۴	۲۲۷	۷۲۱	۳۳۷۷۵۸	۴۶۸	۶,۸ برابر	۲۱
۱۳۸۵	۴۴۶	۷۳	۲۰۹	۷۲۸	۴۶۲۳۲۶	۶۳۵	۹,۲ برابر	۳۶
۱۳۸۶	۵۶۷	۷۰	۱۶۸	۸۰۵	۷۱۳۱۹۵	۸۸۶	۱۲,۸ برابر	۴۰
۱۳۸۷	۶۰۶	۸۷	۱۴۹	۸۴۲	۸۹۳۵۹۷	۱۰۶۱	۱۵,۴ برابر	۲۰
۱۳۸۸	۶۶۱	۹۳	۱۵۱	۹۰۵	۱۰۳۵۸۳۸	۱۱۴۴	۱۶,۶ برابر	۸
۱۳۸۹	۷۳۷	۱۰۲	۱۷۸	۱۰۱۷	۱۴۸۱۳۳۵	۱۴۶۲	۲۱,۲ برابر	۲۸
۱۳۹۰	۷۷۳	۱۵۱	۱۸۱	۱۱۰۵	۱۹۸۱۱۳۰	۱۷۹۳	۲۶,۱ برابر	۲۳
۱۳۹۱	۸۱۶	۱۸۵	۱۴۳	۱۱۴۴	۲۳۲۰۶۹۵	۲۰۲۸	۲۹,۴ برابر	۱۳
۱۳۹۲	۸۸۵	۲۰۲	۹۷	۱۱۸۴	۲۸۳۱۱۳۶	۲۳۹۱	۳۴,۶ برابر	۱۸

ماخذ (داده های مربوط به تعداد و درآمد اعضاء در این جدول):
گزارش سالانه شورای عالی جامعه حسابداران رسمی ایران برای سال منتهی به ۲۹ اسفند، ۱۳۹۲

جدول شماره ی دو

سال	متوسط درآمد هر عضو میلیون ریال	نرخ برابری رسمی دلار ریال	ارزش متوسط درآمد هر عضو بر حسب دلار رسمی	نرخ برابری بازار آزاد دلار ریال	ارزش متوسط درآمد هر عضو بر حسب دلار آزاد
۱۳۸۱	۶۹	۷۹۵۰	۸۷۰۰	۷۹۹۰	۸۶۳۵
۱۳۸۲	۲۴۸	۸۲۸۰	۲۹۹۵۱	۸۳۲۰	۲۹۸۰۷
۱۳۸۳	۳۸۶	۸۷۱۰	۴۴۳۱۶	۸۷۴۰	۴۴۱۶۴
۱۳۸۴	۴۶۸	۹۰۲۰	۵۱۸۸۴	۹۰۴۰	۵۱۷۶۹
۱۳۸۵	۶۳۵	۹۱۹۰	۶۹۰۹۶	۹۲۲۰	۶۸۸۷۲
۱۳۸۶	۸۸۶	۹۲۸۰	۹۵۴۷۴	۹۳۵۰	۹۴۷۵۹
۱۳۸۷	۱۰۶۱	۹۵۷۰	۱۱۰۸۶۷	۹۶۶۰	۱۰۹۸۳۴
۱۳۸۸	۱۱۴۴	۹۸۳۰	۱۱۶۳۷۸	۱۰۰۰۰	۱۱۴۴۰۰
۱۳۸۹	۱۴۶۲	۱۰۳۶۰	۱۴۱۱۱۹	۱۱۰۰۰	۱۳۲۹۰۹
۱۳۹۰	۱۷۹۳	۱۰۵۰۰	۱۷۰۷۶۱	۱۹۰۰۰	۹۴۳۶۸
۱۳۹۱	۲۰۲۸	۱۲۲۶۰	۱۶۵۴۱۵	۳۲۰۰۰	۶۳۳۷۵
۱۳۹۲	۲۳۹۱	۲۴۸۹۰	۹۶۰۶۲	۲۷۳۳۰	۸۷۴۸۶

ماخذ نرخ های برابری: مشرق نیوز

استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی‌صلاح به عنوان حسابدار رسمی» است که با سیاست‌های مالی و اقتصادی کلان در جامعه پیوند دارد و به مناسبات قدرت سیاسی پیچیده وابسته است و فرض امکان ورود «جامعه» به تصمیم‌گیری‌ها در این زمینه قابل پیش‌بینی نیست. در چنین شرایطی یک احتمال باقی است و آن توسعه سرمایه‌گذاری در کشور است که در زمان حاضر نمی‌توان نسبت به آن خوش‌بین بود و به همین دلایل فرض رشد و توسعه‌ی اندازه‌ی بازار خدمات حرفه‌ای در زمان نزدیک با همان درجه از ابهام در موارد پیش‌گفته روبه‌روست. در چنین شرایطی نیاز «جامعه» به انجام مطالعه‌ی شناخت بازار خدمات حرفه‌ای، احتمالات آینده و تشخیص گزینه‌های تغییر و تحولات این بازار و در اختیار نهادن نتیجه‌ی چنین بررسی تحلیلی به اعضای فعلی «جامعه» و متقاضیان عضویت در «جامعه» است تا تصویر دقیقی از وضعی که در آن قرار خواهند گرفت در دست داشته باشند، وگرنه احتمال دارد رشد تعداد اعضای «جامعه» همچنان تداوم یابد بدون این‌که اندازه‌ی بازار بزرگ‌تر شود. در واقعیت چنین بررسی کلیدی‌ترین وظیفه‌ای است که مناسب است شورای «جامعه» بر آن متمرکز گردد. وجود مسئله اگر به بررسی و تحلیل آن پرداخته نشود به بهانه‌ای برای کندکاری و عقب ماندن تبدیل می‌شود. در راهبری نهادهایی در موقعیت و اندازه‌ی «جامعه» گریزی نیست که واقعیت مسائل مهم مورد بررسی دقیق و تحلیلی قرار گیرند و نتیجه‌ی این بررسی‌ها در اختیار اعضا قرار گیرد و آن‌ها به مشارکت در چاره‌جویی‌ها ترغیب و فراخوانده شوند. واقعیت مسائل را باید شناخت، به درک و تشخیص واقعی از مسئله رسید، و درباره‌ی آن‌ها رویکردهای واقع‌گرایانه پیش گرفت و واقعی برخورد کرد و از فرض‌های موهوم دوری کرد. گریزی نیست که اولویت‌های حل مشکلات یا عرصه‌های تحول‌پذیر در جامعه را به طرز سیستماتیک مشخص ساخت. توسعه‌ی نهادها براساس پیش‌بینی‌های ذهنی راه به جایی نمی‌برد. این‌که فرض می‌شود با تغییر اساس‌نامه و از آن‌جا افزایش اختیارات شورای عالی مشکلات را می‌توان برطرف ساخت اگر هم که دقیق و معطوف به واقعیت باشد باید با بررسی دقیق به چنین نتیجه‌ای رسید و این در حالی است که در تجربه دریافته‌ایم که اگر قانون یا اساس‌نامه‌ی قانونی در معرض تغییر قرار گیرد نتیجه و دامنه‌ی تغییرات پیش‌بینی‌پذیر نیست وای‌بسا که تغییراتی ناخواسته نیز بر آن بار شود که کار را پیچیده‌تر سازد. این‌که گرایش پیگیر در «جامعه» و نزد اعضا مطرح است که کلید حل مشکلات «جامعه»، از جمله توسعه‌ی بازار خدمات حرفه‌ای در گروی نزدیکی بیشتر به مقامات سیاسی این دولت یا آن دولت است در فضای تغییر و تحولات سیاسی کشور به همان اندازه می‌تواند سود بخش باشد که زبان‌آور. با این وصف استفاده از چنین مناسباتی نیز نیازمند داشتن طرح مدون و مشخص و مبتنی بر شناخت وضعیت عمومی کشور و ساختار مناسبات اقتصادی و سیاسی است. افزوده بر این آشکار است زمانی که به پشتیبانی دولت‌ها وابسته می‌شویم که دولت ما را پشتیبانی همه‌جانبه کند باید زیر سایه‌ی قدرت دولت هم که اندازه و عمق آن از دولتی به دولت دیگر تغییر می‌کند تن دهیم. به نحو قاطع نمی‌توان گفت که حمایت دولت از نهادهای مدنی و از جمله از «جامعه» در ایران و در شرایط کنونی به نفع این جامعه است یا به‌ویژه در شرایط کنونی آن را شکننده‌تر می‌کند. گرچه پیشینه‌ی تاریخی انجمن‌های حرفه‌ای



حسابداری و نظریه‌های معطوف به توسعه‌ی این گونه نهادها برآن است که حمایت دولت از نهادهای حرفه‌ای حسابداران رسمی نقش تعیین‌کننده در تثبیت و تقویت این گونه نهادها دارد.

مناسبات و ارتباطات شورا با اعضای «جامعه»

روابط شورای «جامعه» دربرگیرنده‌ی هیأت مدیره و دبیرخانه چنان‌که در وب‌گاه رسمی «جامعه» به نمایش درمی‌آید از حد تابلوی اعلانات ادارات سستی فراتر نمی‌رود. در این وب‌گاه سطح رابطه با اعضا در حداقل قرار دارد،

مرکزی است برای ابلاغ آئین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها و دستورات شورای «جامعه» به اعضا و جلوای دستوری دارد. گزارش شورای عالی به مجمع عمومی نیز از همین ویژگی برخوردار است. ارتباطات زمانی معنی دارند که حامل اطلاعات معنی‌دار و معبر ایده‌ها و دیدگاه‌ها و نظرات مختلف باشد. اعضای نهادی در موقعیت و مرتبه‌ی «جامعه» باید از طریق شورای عالی و سازمان مربوط، دبیرخانه و روابط عمومی، از مجموعه‌ی تحولات اثرگذار بر وضعیت حرفه و شرایط پیرامون آن آگاه گردند تا همواره تصویری را که از تحولات نهاد مربوط دارند

روزآمد شود. شیوه‌ای که به تسهیل مناسبات و هموارتر شدن روابط و به رسیدن به درک مشترک از مسائل و تحقق توافق بین شورا و جامعه یاری می‌رساند. استقرار نظم‌ی که برقراری چنین مناسباتی را سامان دهد نیازمند برنامه‌ریزی و استفاده از خدمات کارشناسان متخصص در این زمینه است. ارتباطات به‌خودی خود شکل نمی‌گیرند. «جامعه» به نوعی از روابط عمومی نیازمند است که بتواند جریان اطلاعات را با نظم‌ی سیستماتیک از درون «جامعه» به بیرون یا اطلاعات پیرامون «جامعه» را به درون «جامعه» منتقل نماید.

پی‌نوشت‌ها

۱. صورت‌جلسه‌ی شورای عالی «جامعه»: جلسه‌ی ۵/۱۸؛ ۱۳۹۳/۷/۲۳ در: <http://www.iacpa.ir/portals/0/pdf/showra5/5-18.pdf>: 14 1393 بهمن
 ۲. نگاه کنید به:
 - شلیله، محمد، ۱۳۸۸. «بررسی پیشرفت جامعه؛ گزارش مشروط»، فصل‌نامه‌ی حسابداری رسمی، دوره‌ی جدید، شماره‌ی ششم.
 - شلیله، محمد، ۱۳۸۹. «هر سه شورا کمتر به برنامه‌های توسعه پرداخته‌اند، چاره‌ی دیگری داشتند؟»، فصل‌نامه‌ی حسابداری رسمی، دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۱۰.
 - شلیله، محمد، ۱۳۹۱. «ارزیابی رویکردهای شورای چهارم جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران؟»، فصل‌نامه‌ی حسابداری رسمی، دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۲۰.
 - ۳. شلیله، محمد، ۱۳۹۱. «ارزیابی رویکردهای شورای چهارم جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران؟»، فصل‌نامه‌ی حسابداری رسمی، دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۲۰.
 - ۴. همان، پیشین؛ منبع شماره‌ی (۳).
 - ۵. همان، پیشین؛ منبع شماره‌ی (۳).
 - ۶. شلیله، محمد، ۱۳۹۳. «رجحان شکل بر محتوا»، فصل‌نامه‌ی حسابداری رسمی، دوره‌ی جدید، شماره‌ی در دست انتشار.
 - ۷. نیکفر، محمد رضا، ۱۳۷۸. «در آستانه‌ی سده و هزاره‌ای تازه»، فصل‌نامه‌ی نگاه نو، شماره‌ی ۴۲، صص ۸۹-۱۱۰.
 - ۸. شلیله محمد، ۱۳۹۲. «معنای انتخابات شورای پنجم چیست؟» فصل‌نامه‌ی حسابداری رسمی؛ شماره‌ی ۲۳.
 - ۹. همان، پیشین؛ منبع شماره‌ی ۸.
 - ۱۰. شلیله، محمد، ۱۳۹۳. «راهبری جامعه به شناخت تحلیلی انتظارات حسابداران رسمی نیز نیاز دارد»، دو ماهنامه‌ی حسابرس، شماره‌ی در دست انتشار.
 - ۱۱. گزارش سالیانه شورای عالی جامعه حسابداران رسمی ایران برای سال منتهی به ۲۹ اسفند ۱۳۹۲ در: <http://www.iacpa.ir/portals/0/pdf/Maj-ma.gozaresh/5.pdf>
 - ۱۲. مشرق نیوز در: <http://www.bultannnews.com/fa/news/119494>
- نرخ-دلار-در-۳۴-سال-جدول